

مبانی سیاست

تقدیم به مرضیه باعقل،
به یاد حمید عنایت
استاد سیاست.

ج ۴۰

-
- سرشناسه: تنسی، استیون دی، ۱۹۴۲ م.
عنوان و نام پدیدآور: مبانی سیاست/استیون دی. تنسی و نایجل جکسون؛ ترجمه
جعفر محسنی دره‌بیدی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۴۰۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۱۳-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Politics, the basics, 4th ed
یادداشت: چاپ دوم.
یادداشت: این کتاب قبلاً تحت عنوان «مبانی علم سیاست» در سال ۱۳۷۹ منتشر شده
است.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
عنوان دیگر: مبانی علم سیاست.
موضوع: علوم سیاسی.
شناسه افزوده: جکسون، نایجل، ۱۹۶۳ م.
شناسه افزوده: Jackson, Nigel
شناسه افزوده: محسنی دره‌بیدی، جعفر، ۱۳۶۰ م. مترجم
رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۱ م ۹/ت ۶۶ JA
رده‌بندی دیویی: ۳۲۰
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۰۸۸۶۱
-

مبانی سیاست

استیون دی. تنسی

نایجل جکسون

ترجمهٔ جعفر محسنی دره‌بیدی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Politics: the basics

Stephen D. Tansey

and Nigel Jackson

Routledge, fourth edition, 2008



انتشارات ققنوس

خیابان انقلاب، خیابان فروردین، خیابان نظری،

نیش جاوید ۲، تلفن ۸۶۴۰ ۶۶۴۰

* * *

استیون دی. تنسی و نایجل جکسون

مبانی سیاست

ترجمه جعفر محسنی دره‌بیدی

چاپ چهارم

۲۲۰ نسخه

۱۴۰۴

چاپ توسکا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۰۱۳ - ۳

ISBN: 978 - 600 - 278 - 013 - 3

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

مقدمه	۱۱
۱. علم سیاست	۱۹
سیاست در زندگی روزمره	۱۹
سیاست چیست؟	۲۳
رویکردهایی برای مطالعه سیاست	۲۷
پژوهش سنتی	۳۰
علم اجتماعی و سیاست	۳۴
مکاتب علم سیاست	۳۹
نظریه‌ها، مدل‌ها و پارادایم‌ها	۴۳
نقد رادیکال و پست‌مدرنیستی	۴۶
نتیجه‌گیری	۵۱
۲. نظام‌ها	۵۵
دولت‌ها و جوامع	۵۶
سیاست بدون دولت: جوامع قبیله‌ای	۵۶
فئودالیسم	۶۲

- دولت‌ها بدون ملت‌ها: پادشاهی‌ها ۶۶
- دولت‌ها بدون ملت‌ها: امپراتوری‌ها ۶۹
- ملت‌ها و دولت‌ها ۷۳
- ملت - دولت و حاکمیت ۷۴
- سیاست میان دولت‌ها ۷۵
- سیاست فراسوی دولت: نهادهای بین‌المللی ۷۸
- شرکت‌های چندملیتی و «جهانی‌شدن» ۸۰
- سیاست به منزلهٔ مشغله‌ای جهانی ۸۶
۳. مفاهیم ۹۱
- سرشت انسان و سیاست ۹۲
- آیا دولت ضرورت دارد؟ ۹۳
- چرا باید از دولت اطاعت کرد؟ ۹۷
- سرشت اقتدار ۹۹
- عدالت چیست؟ ۱۰۱
- فردباوری در مقابل جمع‌گرایی ۱۰۶
- حقوق: طبیعی، بشری، قانونی ۱۰۷
- برابری ۱۰۹
- آزادی مثبت و منفی ۱۱۱
- تحلیل مفاهیم سیاسی ۱۱۳
۴. ایدئولوژی‌ها ۱۱۹
- ایدئولوژی ۱۲۰
- «راست» در مقابل «چپ» ۱۲۲
- راست قدیم: نظام پادشاهی ۱۲۴

راست افراطی: نازیسم و فاشیسم.....	۱۲۶
مارکسیسم.....	۱۲۸
لنینیسم و استالینیسم.....	۱۳۰
مارکسیسم‌های دیگر.....	۱۳۲
رادیکالیسم.....	۱۳۵
خداپرستی رادیکال - کاتولیک، پروتستان و اسلامی.....	۱۳۶
بوم‌شناسی به مثابه رادیکالیسم سیاسی.....	۱۴۰
فمینیسم به مثابه رادیکالیسم سیاسی.....	۱۴۳
لیبرالیسم.....	۱۴۷
محافظه کاری.....	۱۵۱
تاجریسم و نومحافظه کاری.....	۱۵۴
دموکراسی مسیحی.....	۱۵۶
سوسیالیسم و دموکراسی اجتماعی.....	۱۵۸
اجتماع‌گرایی و «راه سوم».....	۱۶۱
۵. فرایندها.....	۱۶۷
هویت سیاسی.....	۱۶۷
جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی.....	۱۶۹
محلی‌گرایی، ناسیونالیسم، دین و قومیت.....	۱۷۳
منازعه نژادی و قومی.....	۱۷۷
سلطه، همگون‌سازی و تکثرگرایی اجتماعی.....	۱۸۰
نخبگان، طبقات و تکثرگرایی سیاسی.....	۱۸۳
تغییر سیاسی.....	۱۸۸
کودتها و انقلاب‌ها.....	۱۹۲
وحشت و تروریسم.....	۱۹۴
منازعه طبقاتی در قرن بیست و یکم.....	۱۹۸

سیاست پسا صنعتی: جامعه اطلاعاتی؟	۲۰۱
«شمال» در مقابل «جنوب»؟	۲۰۶
نتیجه گیری	۲۱۱
۶. دولت ها	۲۱۵
انواع دولت	۲۱۵
دموکراسی، دولت رفاه و بازار	۲۱۹
اشکال دموکراسی نماینده ای	۲۲۳
خودکامگی نظامی	۲۲۹
خودکامگی غیر نظامی	۲۳۲
حکومت های تمامت خواه	۲۳۴
حکومت نازی	۲۳۶
حکومت شوروی	۲۳۷
حکومت اسلامی - قالب شکنی؟	۲۳۹
حکومت چند سطحی	۲۴۲
نهادهای سیاسی اروپا	۲۴۷
حکومت محلی	۲۵۴
نتیجه گیری	۲۶۰
۷. دموکراسی	۲۶۳
چگونه حکومت می تواند «دموکراتیک» باشد؟	۲۶۳
مشارکت و دموکراسی مستقیم	۲۶۴
انتخاب حاکمان	۲۶۷
نظام های انتخاباتی	۲۶۸
قوة مجریه	۲۷۱
قوة مقننه	۲۷۳

قوه قضایه	۲۷۷
قوانین اساسی و قانون خواهی	۲۷۹
حقوق و قوانین اساسی	۲۸۱
سیاستگذاری تکثرگرا	۲۸۵
کورپوراتیسم	۲۸۶
تمرکزگرایی	۲۸۸
ارتباط سیاسی	۲۹۱
احزاب سیاسی	۲۹۳
«چرخش» و بازاریابی سیاسی	۲۹۶
مبارزه دائمی	۲۹۸
گروه های ذی نفع	۳۰۰
رسانه های جمعی	۳۰۳
اینترنت	۳۱۰
دموکراسی و ارتباطات	۳۱۳
۸. سیاست ها	۳۱۹
مسائل و راه حل های سیاست عمومی	۳۱۹
انتخاب سازوکارهای تصمیم گیری اجتماعی	۳۲۱
دفاع از بازار	۳۲۳
مسائل تصمیم گیری بازاری	۳۲۵
سازمان داوطلبانه	۳۲۷
سیاستگذاری عقلانی: بوروکراسی	۳۳۱
مسائل مربوط به سیاستگذاری «عقلانی»	۳۳۴
تصمیم گیری فزاینده	۳۳۷
فرایند سیاست	۳۴۰
اجرای سیاست عمومی	۳۴۲

مدیریت سیاست عمومی محلی.....	۳۴۶
حکمرانی چندسطحی.....	۳۴۷
ارزیابی سیاست عمومی.....	۳۵۰
نظارت بر عملکرد در سیاست عمومی.....	۳۵۱
ارزیابی پیامدهای سیاست: توزیع ثروت و درآمد.....	۳۵۴
فرایند سیاستگذاری سیاسی.....	۳۵۸
بحران در سیاست دموکراتیک؟.....	۳۵۹
اتخاذ کنش سیاسی.....	۳۶۰
پیوست: منابعی در باب علم سیاست.....	۳۶۵
کتابنامه.....	۳۷۷
نمایه.....	۳۹۳

مقدمه

این کتاب برای چه کسانی و در چه موضوعی نوشته شده است؟

این کتاب به عنوان مدخلی مقدماتی بر علم سیاست قرن بیست و یکم تدوین شده است. ادعا نمی‌کنیم که می‌توانیم شکل سیاسی قرن جدید را با قطعیت پیش‌بینی کنیم. با این حال، از قبل روشن است که بسیاری از دورنماهای قدیمی رقابت ابرقدرت‌ها و جنگ طبقاتی و ایدئولوژیکی مسلط بر دوره جنگ سرد به سردی گراییده است. مسائلی از قبیل بوم‌شناسی، تکنولوژی جدید، اسلام، تروریسم، فمینیسم و نقش آنچه در گذشته تحت عنوان جهان سوم از آن یاد می‌شد (در این کتاب از آن تحت عنوان «جنوب» یاد می‌کنیم) احتمالاً به بحث‌های اصلی تبدیل می‌شوند. مدخلی بر سیاست که رویکردی محدود و تنگ‌نظرانه از منظر کشوری واحد اختیار کند، دیگر در دوره وابستگی متقابل فزاینده بین‌المللی بخردانه به نظر نمی‌آید.

خوانندگانی که منظور نظر ما هستند خوانندگانی بدون شناختی نظام‌مند، یا بدون نگرش‌هایی متصلب به سیاستند. هدف این کتاب این است که هم این خوانندگان را قادر سازد که آرای سیاسیشان را شکل بدهند و هم آن‌ها را قادر

سازد فهم و شناخت بیش‌تری در باره رشته دانشگاهی سیاست (یا آن‌طور که در ایالات متحده به‌طور باشکوهی «علم سیاست»^۱ خوانده می‌شود) پیدا کنند. خصوصاً دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی، چه کسانی که در مدرسه سیاست خوانده‌اند و چه کسانی که نخوانده‌اند، این کتاب را منبعی مفید در باره دوره‌های درسی دانشگاه یافته‌اند. این کتاب برای دانشجویان کارشناسی نیز که تازه دوره‌های علم سیاست را شروع می‌کنند مفید است. این کتاب همچنین پایه‌ای برای دوره‌های فرعی کوتاه در رشته سیاست در دوره کارشناسی، تحصیلات تکمیلی و فوق برنامه شکل داده است. با این حال، امیدواریم که خوانندگان هوشمند و بی‌تعصب مسن‌تر و جوان‌تر نیز از این رویکرد بهره‌ بسیاری ببرند. و ایرادی هم نمی‌بینیم که سیاستمداری شاغل نیز که گذرش به این کتاب افتاده است از آن بهره‌برد!

نظر ما این نیست که رویکرد «علمی اجتماعی»^۲ مستلزم فرض نگرشی بی‌تعلق نسبت به سیاست روز است. اما در پی این نبوده‌ایم که برنامه سیاسی کوتاه‌مدتی را عرضه کنیم. رویکرد ما در این جا جستجوی اصولی بلندمدت است که راهنمای کنش‌های سیاسی باشد. «سیاست»^۳ را به معنای فعالیت ضروری بشر در زمینه تصمیم‌گیری در باره چگونگی با هم زیستن در اجتماعات در نظر گرفته‌ایم. این فعالیت را در بافت جغرافیایی بلندمدت و گسترده‌ای قرار داده‌ایم. مرتب به اروپا به‌طور کلی و ایالات متحده و همچنین بریتانیای کبیر اشاره کرده‌ایم. تمرکز ما بر کشورهای نسبتاً پررونق صنعتی «غرب» است، ولی از سایر کشورهای جهان نیز غافل نیستیم. برای پرداختن به این برنامه کارِ جاه‌طلبانه به‌طور گسترده از کار دانشگاهیان بسیاری الهام گرفته‌ایم، که ایده‌هایشان را قبلاً (اغلب به شکلی تقلیدی) از سیاستمداران وام گرفته‌اند.

در کتاب حاضر که تدوین شده تا به خوانندگان کمک کند آرائشان را در باره سیاست شکل دهند، هیچ کوششی برای پنهان داشتن دیدگاه لیبرال نویسندگان صورت نگرفته. این مسئله به طور اجتناب‌ناپذیری در مواردی از قبیل انتخاب موضوعات مباحث نمود پیدا کرده است. ولی امید است که بیان منصفانه‌ای از سایر دیدگاه‌های اصلی به دست بدهیم و سرمنزلی را نشان دهیم که خواننده بتواند اشکال قابل دستیابی دورنماهای دیگر را بیابد.

ساختار کتاب

کتاب با بحثی در باره سرشت سیاست و تنوع رویکردهای دانشگاهی در مورد فهم آن آغاز می‌شود. فصل دوم بافت‌های متنوعی را نشان می‌دهد که فعالیت سیاسی در آن‌ها رخ می‌دهد. سپس در فصول سوم و چهارم ایده‌های رقیب در باره اهداف فعالیت سیاسی بررسی می‌شود.

چهار فصل پایانی کتاب، به طور مفصل به این مطلب می‌پردازد که تصمیمات سیاسی از چه نوع هستند و چگونه اتخاذ می‌شوند. فصل پنجم به این بحث می‌پردازد که چه نوع تصمیماتی اتخاذ می‌شوند، و چگونه نظام‌های سیاسی دستخوش تغییر می‌شوند. فصل ششم دولت‌های گوناگون را بررسی می‌کند. فصل هفتم بر این مسئله تمرکز می‌کند که چگونه دموکراسی‌های مدرن تصمیم‌گیری می‌کنند. نهایتاً، به طور مشخص‌تر با نظر به عرصه‌های خاص سیاستگذاری عمومی، محدودیت‌های فرایندهای سیاستگذاری عمومی و نقش افراد در سیاست در فصل هشتم مورد بحث قرار می‌گیرد.

این کتاب مانند روش بسیاری از دوره‌های سیاست به حوزه‌های زیرشاخه‌ای و فرعی تقسیم نشده است. ولی، در این چارچوب، فصل اول

در باره روش شناسی، فصل سوم و چهارم عمدتاً در باره نظریه سیاسی، فصل دوم و پنجم عمدتاً در باره جامعه‌شناسی سیاسی، فصل ششم و هفتم بیش‌تر در باره نهادهای سیاسی/حکومت مقایسه‌ای و فصل هشتم در باره سیاست و مدیریت عمومی است.

جهت کمک به خوانندگان چاپ‌های قبلی کتاب، مفید است به نوآوری‌های عمده‌ای که در ویراست چهارم صورت گرفته اشاره کنیم. این نوآوری‌ها عبارتند از:

- نظری صریح در باره ضرورت نظریه‌های سیاسی و مقایسه روش‌های کمی و کیفی در فصل اول؛
- کاهش تفسیر متعصبانه از سیاست در فصل اول مورد تأکید قرار می‌گیرد؛
- برخی تعاریف مشخص‌تر از جهانی‌شدن در فصل دوم؛
- تأکید پی‌درپی بر پیام تلویحی سیاست دموکراتیک غربی که نباید آن را هنجار فرض کرد در فصل دوم؛
- بحث در باره نسل‌کشی در فصل سوم؛
- تجدیدنظر در بحث‌های ایدئولوژی و راه سوم در فصل چهارم؛
- بحث بیش‌تر در باره «جنگ با تروریسم»، در فصل پنجم؛
- ربط دادن بحث دموکراسی نماینده‌ای با اندیشه‌های برک؛
- بحث به‌روز در باره نقش اینترنت با اشاره به بلاگ‌ها و دموکراسی الکترونیکی؛
- تحلیل مبارزه دائمی با بحث بیش‌تر در باره چرخش و سیاست بین‌الملل؛
- دو بخش جدید در فصل هشتم در باره تغییرات فرایند سیاستگذاری سیاسی و بحران دموکراسی مدرن است. این بحث در متن اتحاد ایالات متحده/بریتانیای کبیر در مورد اقتصاد بازاری در مقابل رویکرد دولت‌گراتر فرانسه/آلمان پرداخته شده است.
- در آخر هر فصل فهرستی از وب‌سایت‌های مفید، و همین‌طور منابعی برای مطالعه بیش‌تر درج شده است.

در این چاپ جدید علاوه بر این که تغییرات آشکاری به دنبال حوادثی چون کناره‌گیری تونی بلر از نخست‌وزیری در بریتانیا و تحولات «جنگ با ترور» صورت گرفته، بیش‌تر هدف این بوده که منابع بین‌المللی آن را هم برای استفاده بسیاری از خوانندگان بین‌المللی (از جمله خوانندگان چاپ‌های این کتاب در لهستان و چین) تقویت کند و هم با کوتاه‌نگری بسیاری از دوره‌ها و کتاب‌های مقدماتی در بریتانیا به مقابله برخیزد.

در هر صورت مقصود این است که به خوانندگان کمک کنیم که در باره مسائل بیندیشند، و نمی‌خواهیم از نتیجه‌گیری‌های از پیش تعیین‌شده دفاع کنیم.

نحوه استفاده از کتاب

راه‌های زیادی وجود دارد تا رشته‌ای را به دانشجویان معرفی کنیم، ولی در این کتاب بر ارائه استدلال‌های اصلی در سیاست و مفاهیم مرتبط با آن‌ها تمرکز کرده‌ایم. به لحاظ منطقی، کارمان را با روش‌شناسی و مرزهای این رشته شروع کرده‌ایم. افرادی که تازه با این موضوع آشنا شده‌اند ممکن است در نگاه اول این فصل مقدماتی را بی‌فایده بدانند و باید از خطای آن‌ها چشم پوشید اگر در مطالعه نخست به نیمه دوم فصل بروند.

دانشجویانی که قبلاً دوره‌ای را در علم سیاست آغاز کرده‌اند باید بدانند که این چشم‌انداز گسترده‌تر در مطالعاتشان نسبت به بسیاری از کتاب‌های درسی جزئی‌تر و محدودتر، تفکر بیش‌تری را برمی‌انگیزد. فایده این کتاب را به‌ویژه در آغاز چنین دوره‌هایی و از طریق بازبینی آن‌ها در پایان این دوره‌ها می‌توان مشاهده کرد. این کتاب بنا دارد به کسانی نیز کمک کند که در باره این دوره‌ها از آن جهت فکر می‌کنند که آیا سیاست موضوع مناسبی برایشان هست یا نه. از طریق ارزشیابی موضع سیاسی خود خواننده

و ارزشیابی بسیاری از مفاهیم سیاسی بنیادی به عنوان بخشی از برهانی مورد حمایت، امید داریم که رویکردی انتقادی و فردی را تشویق کنیم که بسیار با ارزش تر از رویکرد «واقعی»^۱ تر در اتاق امتحان و در عالم عمل هر دو است.

پیوست آخر کتاب در مورد «منابعی در باب علم سیاست» از این جهت که مواد دیگری را نیز از کتابخانه دانشگاهی یا عمومی از جمله منابع اطلاعات جدیدتر الکترونیکی مورد استفاده قرار می دهد مفید خواهد بود. تجربیات سال های طولانی در زمینه تدریس در این سطح نشان داده که اکثر دانشجویان عمده تاً منابع کتابخانه ای را که در دسترس است دست کم می گیرند.

منابع بر مبنای نظام هاروارد سازماندهی شده است، لذا تاریخی که در داخل پراوتز پس از نام نویسنده آمده مدخل کاملی در بخش منابع در پایان کتاب را به دست می دهد. این تاریخ ها معمولاً همان ویراستی را نشان می دهند که نویسنده برای منابع استفاده کرده ولی آخرین ویراست برای مطالعه بیش تر توصیه می شود. خوانندگانی که با نظام هاروارد تازه آشنا شده اند باید توجه داشته باشند که تاریخ چاپ ضرورتاً به معنای تاریخ نگارش، به ویژه در مورد آثار قدیمی تر و ترجمه شده نیست. علاوه بر منابعی که در آخر هر فصل آمده، منابعی برای مطالعه بیش تر به دست داده شده است. هر جفت تاریخ های داخل قلاب پس از نام شخص، تاریخ تولد و مرگ وی را نشان می دهد - این قاعده تقریباً در مورد شخصیت های قدیمی است.

یک ویژگی کتاب که خواننده خصوصاً آن را مفید خواهد یافت، تعریف مفاهیم کلیدی در داخل کادرها در خلال متن و نمایه آن ها بر اساس حرف اول در پایان کتاب است. دانشجویان سریعاً پی خواهند برد که اقدام به هر کاری

1. factual

بدون تعریف مفاهیم آن حوزه کاری مورد استقبال واقع نخواهد شد، و برعکس، چنین تعاریفی عمده‌تاً به تحلیل و انتقال روشن مطالب یاری می‌رسانند.

علم سیاست

این فصل به این مطلب که سیاست چیست و به روش‌هایی که دانش‌پژوهان برای فهم آن به کار برده‌اند می‌پردازد. نخستین شاگردان و استادان کاردان و جدی (یونانی‌هایی مانند افلاطون [۴۲۷-۳۴۷ ق.م] و ارسطو [۳۸۴-۳۲۲ ق.م]) سیاست را محور برنامه آموزشی خود قرار دادند. در قرن بیست و یکم دانشگاهیان هنوز هم در پی آنند که سیاست را «به طور علمی»^۱ تبیین کنند. این فصل معنا، اهمیت و دشواری‌های چنین عملی را به بحث می‌گذارد.

سیاست در زندگی روزمره

آیا مطالعه سیاست فعالیتی بخردانه است؟ هر بیننده اخبار تلویزیونی می‌داند که دموکراسی‌ها از نظر کارآمدی ظاهری، برابری و قدمت، از رژیم‌های صلح‌آمیز و برابری طلبی چون سویس و سوئد و حتی مورد مناقشه برانگیز ایالات متحده گرفته تا دموکراسی‌های جدیداً ظاهراً شکننده در اروپای شرقی و آمریکای لاتین، با هم فرق می‌کنند. به نظر می‌رسد که دیکتاتوری‌ها در

1. scientifically

زمانی رشد و گسترش پیدا کردند مانند زمان اتحاد جماهیر شوروی، که اولین ماهواره را به فضا پرتاب کرد و نیمی از جهان را زیر سیطره خود داشت، و فقط در اثر نیروهای فرو پاشید که خیلی‌ها از پیش‌بینی آن عاجز بودند. در پاره‌ای اوقات سخت می‌توان با این نظر هم‌نوا نشد که چنین اموری هم مهارناپذیرند هم دور از فهم مردم عادی.

با این حال، مردم عادی‌ای را می‌شناسیم که با رشادت خود رژیم‌هایی را که تغییرناپذیر به نظر می‌آمدند از پای انداختند و جان خود را بر سر اندیشه‌های انتزاعی در بارهٔ سیاست از دست دادند: هزاران بوسنیایی و آلبانیایی به نام هویت ملی صرب در یوگسلاوی سابق «پاکسازی قومی» شدند؛ ده‌ها هزار شهروند عادی در اوکراین به اعتراض برخاستند که به انقلاب نارنجی منجر شد. به‌رغم چنین شواهدی در بارهٔ توانایی مردم عادی برای تأثیر گذاشتن بر و تأثیر پذیرفتن از تغییر سیاسی، بی‌توجهی به سرشت نهادهای سیاسی و این‌که چه کاری باید در مورد آن‌ها انجام بدهیم تصویری به ظاهر غلط است.

نمونه‌های شورانگیز کنش و تغییر سیاسی در جاهای دوردست را به کناری می‌نهم، و به زندگی خودمان و تأثیر سیاست بر آن عنایت می‌کنیم. فرض کنید که شما جوانی هجده ساله‌اید و در بریتانیای کبیر زندگی می‌کنید، برای شرکت مک‌دونالد^۱ مشغول به کارید و به قبولی در دانشگاه در پاییز امیدوار. وقتی از خواب بیدار می‌شوید متوجه می‌شوید که حکومت (یا مشخصاً پارلمان) قانونی را به تصویب رسانده که به موجب آن ساعت محلی از ۶:۳۰ یا همین حدود (بسته به عرض جغرافیایی) به ۷:۳۰ تغییر کرده است. وقتی رادیوی محلی را می‌گیرید (که امتیاز آن به یک سازمان خودمختار ظاهراً دولتی (یا غیردولتی)^۲ واگذار شده) پیش‌بینی وضع هوا را از ادارهٔ

1. McDonald

2. quasi autonomous national (or non-) governmental organisation (QUANGO)

هواشناسی که دولت بودجه آن را تأمین می‌کند می‌شنوید. پس از این که به چند قطعه سی‌دی گوش دادید (که حق معنوی آن باید به موجب قانون از سوی ایستگاه رادیو به پدیدآورندگان و اجراکنندگان پرداخت شده باشد)، از رختخواب بیرون می‌پرید (مواد تشک باید اشتعال‌ناپذیر باشد)، به سوی کورن فلکس خود می‌روید (ترکیبات آن به موجب قانون دیگری روی جعبه به شکلی مناسب قید شده است). وقتی از روی بی‌عقلی دست به سیگار می‌برید می‌بینید که حکومت (اتحادیه اروپا) هم علامت هشداردهنده سلامتی را روی پاکت درج کرده و هم علامت دریافت پورسانت زیاد را به شکل مالیات.

بدون این که بخواهیم جزء جزء زندگی شما را بررسی کنیم، پرواضح است که حکومت تقریباً بر هر یک از موارد بالا به اشکال یکسانی تأثیر می‌گذارد (کیفیت هوا، مقررات عبور و مرور، قانون کار - بقیه ماجرا را خودتان کامل کنید).

البته، مسائل بزرگ‌تر نیز به یک شکل تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آیا استطاعت مالی برای رفتن به دانشگاه را دارید؟ به چه بورس‌ها و وام‌هایی از طریق سیاست حکومت دسترسی دارید یا چه شهریه‌ای را می‌توانید بپردازید؟ حکومت چند جا را در دانشگاه تأمین مالی کرده است؟ چه تعداد دانش‌آموز دیگر با استفاده از نظام آموزشی دولتی تا سطح ورود به دانشگاه تحصیل کرده‌اند؟ از طرف دیگر، اگر نتوانید به دانشگاه راه پیدا کنید، در این صورت چشم‌داشت‌هایتان در باره شغلی دائمی به مدیریت حکومت در عرصه اقتصاد بستگی خواهد داشت. چشم‌داشت‌ها در باره شغل دائمی در شرکت مک‌دونالد نیز، سوای چیزهای دیگر، به سیاست دولت در خصوص شرکت‌های خارجی و گستره و کارآمدی اقدامات آموزشی بهداشتی وابسته است!

ما تا این جا تنها به شما و حکومت توجه داشتیم. فرض کنید به محض

این که وارد آشپزخانه می‌شوید پدرتان با تشر بگوید: «نمی‌توانستی شیشه‌های نوشیدنی و پاکت‌های پیتزا را که تو و دوستان دیشب همه جا پخش کرده‌اید جمع کنی؟» این نیز مسلماً موقعیتی سیاسی است. پدران در درون خانواده فکر می‌کنند که «اقتدار» دارند - یعنی قدرت مشروع بر فرزندان. به‌عنوان جوانی هجده ساله، ممکن است به این سخن پدرتان از این جهت که بر اقتدار تأکید دارد واکنش نشان بدهید یا عکس‌العمل منفی نشان بدهید و بگویید دیگر بچه نیستید که به شما دستور بدهند. برعکس، ممکن است پدرتان صرفاً احساس کند که در هر اجتماع همه باید نقششان را ایفا کنند و آت و آشغال خودشان را جمع و جور کنند. ولی اگر در هر مورد او از شما بخواهد که آت و آشغال‌هایتان را جمع کنید و شما از خواسته او سر باز بزنید، برخورد اراده‌ها به وجود می‌آید که در آن تنها یک نفر غالب خواهد شد.

به همین ترتیب، وقتی به شرکت مک‌دونالد رسیدید ممکن است متوجه شوید که دستیار مدیر (در غیاب مدیر که در تعطیلات به‌سر می‌برد وظایف او را عهده‌دار شده است) طوری کار می‌کند که به مدیر بخش نشان بدهد کارش را بهتر از رئیس خود می‌تواند انجام بدهد. در این‌جا نوعی مبارزه بر سر قدرت به وجود می‌آید که در آن افراد سازمان ممکن است از کسی طرفداری کنند (دسته‌هایی آن‌طور که دانشمندان سیاست می‌گویند تشکیل می‌دهند) - در یک کلام، سیاست سازمانی به کار می‌افتد.

به زودی روشن می‌شود که «سیاست» حداقل به هر دو معنا به کار می‌رود، و هر دو ربط بلافصلی با تجربه روزمره هر شخصی دارند. سیاست در محدودترین کاربرد مرسوم (فرهنگ لغت) - آنچه حکومت‌ها انجام می‌دهند - روز به روز و ساعت به ساعت عمیقاً بر ما تأثیر می‌گذارد. ولی ذیل معنای کلی‌تر - افراد بر یکدیگر اعمال قدرت می‌کنند - بخشی از همه انواع روابط اجتماعی از جمله خویشاوندی، شغلی، مذهبی یا فرهنگی است.

سیاست چیست؟

اگر بکوشیم «سیاست» را به طور رسمی تر و دقیق تر تعریف کنیم، با مسائلی مواجه می شویم که به کرات در این کتاب به چشم می خورند. در واقع تعریف مفاهیم در رشته های علمی مثل فیزیک و شیمی تا حدودی دشوار است، ولی اگر این کار را بکنید فوراً این اتهام را به شما وارد نمی کنند که از فهم مسئله عاجزید، از عینیت علمی بی بهره اید یا فرضیاتی توجیه ناپذیر را طرح می کنید، در مورد یک نویسنده در حوزه علم سیاست نیز این وضع وجود دارد. یکی از پرسش ها این است که آیا ما از سیاست به عنوان فعالیتی بشری سخن می گوئیم یا به عنوان فعالیتی دانشگاهی - یا، در چارچوب واژگان آمریکایی، سیاست یا علم سیاست. جستجوی حقیقت در باره این که چگونه مخلوقات بشری اعمال قدرت می کنند ممکن است چیزی کاملاً جدا از این که در واقع درصدد اعمال آن قدرتند باشد. ولی در عمل، همان طور که خواهیم دید، اندیشه های سیاسی بخشی از مهم ترین سلاح ها در زرادخانه های سیاستمداران هستند. بی توجهی نسبت به این امر یا نوعی خام اندیشی است یا، اغلب تلاشی عامدانه است برای عرضه یک ایدئولوژی سیاسی مناقشه برانگیز به عنوان یک امر واقع سیاسی بلامنازع.

در پرتو این امر، ارزشمند است به صورتی انتقادی به استلزامات برخی از تعاریف معمول دانشگاهی از سیاست و قدرت توجه کنیم (کادر ۱.۱).

تعاریف داخل کادر ۱.۱ گویای تفاوت فاحشی هستند و دیدگاه هر نویسنده را نشان می دهند. بیش تر تعاریف دانشمندان سیاست خیلی کلی تر از تعریف نخست، مطابق با فرهنگ لغت، هستند که بر دولت تأکید دارند (هرچند می توان تفسیر موسعی از «بخش دولت»^۱ داشت). در واقع آن تعاریف عمدتاً بر دیدگاهی که در بالا آمد مهر تأیید می زنند: یعنی سیاست

کادر ۱.۱ تعاریف «سیاست» و «قدرت»

سیاست

علم و هنر حکومت؛ علم مربوط به فرم، سازمان و مدیریت دولت یا بخشی از آن، و علم مربوط به تنظیم روابط دولت با سایر دولت‌ها.

(*Shorter Oxford English Dictionary*)

... روش حکمرانی بر جوامع جدا از هم از طریق فرایند بحث آزاد و بدون خشونت بیجا.

(Bernard Crick, 2000)

... چه کسی، چه چیزی را، کی و چگونه می‌برد.

(H. Lasswell, 1936)

... شخصی، شخص دیگر را وامی‌دارد.

(Bertrand de Jouvenal, 1963)

... تخصیص مقتدرانه ارزش.

(David Easton, 1979)

قدرت

... تولید نتایج موردنظر.

(Bertrand Russell, 1938)

... احتمال این که بازیگری در درون رابطه اجتماعی در جایگاهی قرار بگیرد که اراده خود را با وجود مقاومت دیگران و بدون توجه به مبنایی که این احتمال از آن ناشی می‌شود به کرسی بنشاند.

(Max Weber, in Gerth and Mills, 1948)

... توانایی بسیج منابع به منظور دستیابی به اهدافی که تعهد عمومی همگانی به دلیل آن ... ممکن است صورت گیرد.

(Talcott Parsons, 1957)

... توانایی طبقه اجتماعی برای تحقق منافع عینی مشخص.

(Nicos Poulantzas, 1973)

در بارهٔ اعمال اجتماعی قدرت است نه خود دولت، به هر حال این دیدگاه می‌تواند نشان‌دهندهٔ «امپریالیسم»^۱ طبیعی دانشگاهیان از سوی رشتهٔ خودشان باشد. جامعه‌شناسان ممکن است استدلال کنند که این تعریف که «شخصی، شخص دیگر را وامی‌دارد» با توجه به دلمشغولیشان تعریف مناسب‌تری است.

با این حال، واحد تحلیل را نیز در چارچوبی که این تعاریف در آن پرداخته شده در نظر داشته باشید. وبر، لاسول، دو ژوونل در وهله اول در سطح فردی و برحسب افراد که اعمال‌کننده قدرتند فکر می‌کنند، کریک و پارسونز بر تمامیت جوامع تمرکز دارند، فرهنگ مختصر انگلیسی آکسفورد از حکومت‌ها سخن می‌گوید، حال آن‌که پولانزاس طبقات را «بازیگر»^۲ سیاسی اصلی می‌داند. این مسئله نشان‌دهندهٔ انشعاب در بین نظریه‌های فردباوری و جمع‌گرایی است که به تفصیل در فصل سوم به آن می‌پردازیم.

اختلاف دیگر این تعاریف را بین آن چیزی می‌بینیم که به عنوان نظریه‌های بازی با «حاصل جمع جبری صفر»^۳ و بازی با «حاصل جمع جبری غیرصفر»^۴ در سیاست قلمداد شده‌اند. این دانش‌واژه‌ها ریشه در نظریهٔ ریاضی بازی‌ها دارند. بازی با حاصل جمع جبری صفر نوع معمول بازی است، مثل بازی شطرنج، که در آن تنها یک بازیکن برنده می‌شود، و بنا به تعریف بازیکن یا بازیکنان دیگر بازنده هستند. مقدار ثابتی از «بُردها»^۵ وجود دارد و این به این معناست که بُردهای یک طرف، بنا به تعریف، همان باخت‌های طرف دیگر است. آشکار است که بسیاری از سیاستمداران و دانشمندان سیاست، چنین نگرشی به سیاست دارند. بنابراین، وبر و (تلویحاً) لاسول هر دو ظاهراً بر این نظرند که موفقیت سیاسی یک فرد به قیمت شکست افراد دیگری که با وی مخالفند حاصل می‌شود. این نظر ویژگی نظریه‌های مارکسیستی نیز هست، مثل نظریهٔ پولانزاس، که بر طبق آن منافع طبقات با یکدیگر تعارض دارند و به ضرر یکدیگر عمل می‌کنند.

با این همه، همه بازی‌ها از این دست نیستند - برای مثال در بازی‌های کودکان رؤیایی مضامین جدیدی که بازیکنی وارد می‌کند می‌تواند لذت بازی را برای هر بازیکن گسترش بدهد - در بازی کابوی‌ها علیه سرخپوست‌ها^۱ وارد شدن بیگانه‌ها ممکن است خیر و خوشی هر شخص را رقم بزنند. میزان ثابتی از «بُردها» وجود ندارد، و هر دو طرف می‌توانند از طریق همکاری بُردهای بیش‌تری کسب کنند. به شکل همسانی، پارسونز به صراحت استدلال می‌کند که از طریق همکاری، گروه‌های مختلف در جامعه می‌توانند هر یک منافع بیش‌تری به دست آورند، به جای این‌که با هم رقابت کنند. بنابراین نظریه‌های گوناگون اساساً به طور متفاوت بر اجماع (توافق) و منازعه در نظریه‌هایشان در باره سیاست تأکید می‌کنند.

احساس رو به رشدی وجود دارد که نشان می‌دهد سیاست در دموکراسی‌های ریشه‌دار غربی رنگ و بوی مبارزه و کشمکش دارد. این نگرانی را به کسری دموکراسی، بیگانگی سیاسی یا دل‌سردی مدنی مربوط دانسته‌اند. تبیین‌هایی را که ممکن است از این تغییرات بشود گری استوکر^۲ (Stoker, 2006) مورد بررسی قرار داد، ولی بحث این است که شهروندان به طور فزاینده‌ای از طریق رفتار سیاسی سنتی، مانند رأی‌دهی در انتخابات از «دور خارج شده»‌اند. این مسئله خود را در کاهش هواداری یا احساس کم‌رنگ هم‌ذات‌پنداری با بازیگران سیاسی کلیدی و ساختارها نشان داده است. اظهار شده که شهروندانی که بیش از پیش به لحاظ سیاسی فعال می‌شوند ائتلاف‌ها و مصالحه‌هایی را که بین نخبگان سیاسی موجود شکل می‌گیرد نادیده گرفته‌اند، و در عوض به فعالیت گروه فشار تک‌مسئله‌ای روی آورده‌اند. ولی آیا این کاهش ظاهری در سیاست سنتی هواداری انتخاباتی در برخی کشورها لزوماً به معنای کاهش اهمیت سیاست است؟

نویسندگان با موريس دوورژه^۱ (Duverger, 1972:19) هم‌نوا هستند که استدلال می‌کند «خدای دو چهره، ژانوس، تصویر حقیقی قدرت است»، به عبارت دیگر، منازعه و اجماع هر دو عناصر ذاتی ایجاد موقعیتی سیاسی هستند. تحمیل منافع یک شخص بر دیگری از طریق اجبار و بدون هیچ‌گونه عنصري از رضایت به نظر دور از آن چیزی است که بیش‌تر مردم از «سیاست» می‌دانند، همان‌طور که کریک (Crick, 2000) نیز چنین استدلالی می‌کند. از طرف دیگر، موقعیتی (شاید بعید باشد) که در آن یک گروه در توافقی تام و تمام (در مورد اهداف و روش‌ها) مرتب به دستیابی بیش‌تر به اهدافش مبادرت می‌ورزد مانند فرایند سیاسی هم نیست.

بنابراین، «سیاست» طیف وسیعی از موقعیت‌ها را در بر می‌گیرد که در آن اهداف اشخاص متغیر و متفاوت است، ولی آن‌ها برای نیل به آن اهداف مشترک و همچنین اهداف رقیب که موجب تضاد منافع می‌شود با هم همکاری می‌کنند. همکاری و رقابت مستلزم مذاکره، محاجه و اجبار است. سیاست بیش‌تر هنر است تا علم، و هنر سیاست را می‌توان امکان بالقوه‌ای برای اتحادها دانست نه تخصیصات در بین گروه‌های مختلف.

رویکردهایی برای مطالعه سیاست

یکی از لذت‌ها و، در عین حال، سرخوردگی‌های مطالعه سیاست تنوع رویکردهایی است که نویسندگان دانشگاهی برای این موضوع اتخاذ کرده‌اند. از این حیث لذت است که در یک دوره طیف وسیعی از آثار فیلسوفان کلاسیک مانند افلاطون و ارسطو، و جامعه‌شناسان رادیکال از جمله سی. رایت میلز^۲ (Mills, 1956) و پارتو (Pareto, 1976) تا دانشمندان اجتماعی دلسوز مدرن سراغ داریم که آزمون‌های آماری معنادار را برای تحلیل حجم

انبوهی از داده‌های کامپیوتری به کار می‌برند، از جمله این دانشمندان رابرت دال^۱ (Dahl, 1971) است. از این حیث سرخوردگی است که نمی‌توان نتیجه‌گیری این نویسندگان را به سادگی جمع‌آوری کرد و پیکر و قالب مشخصی از دانش را که معرّف دیدگاه دانشمندان سیاست در باره سیاست باشد به وجود آورد. دانشجویان علم سیاست باید آماده باشند که با عدم قطعیت زندگی کنند، و منابع متعدد را غربال کنند و آنچه را به نظرشان بجا و معتبر است بپذیرند.

در ادامه این فصل می‌کوشیم ابزارهایی به دست بدهیم که دانشجویان بتوانند با استفاده از آن‌ها «غربال کردن» را انجام بدهند، و اذعان کنند که چرا نویسندگان حوزه سیاست تا این حد به طور بنیادی با هم اختلاف دارند. ما سه رویکرد اصلی را برای مطالعه سیاست و مکاتب فکری مختلف درون آن مورد توجه قرار می‌دهیم. این رویکردها را باید صرفاً نوعی نقشه خام و مقدماتی زمینه‌ای که باید به آن پردازیم دانست، و نه تحلیل خشک و دقیقی از انواع نوشته‌هایی که در حوزه سیاست ممکن است باشد یا مجموعه‌ای از تقسیمات دقیق. به هر حال، در خواهیم یافت که دو نویسنده متعلق به یک «مکتب» در مقایسه با دو نویسنده متعلق به مکاتب مختلف به طور کلی وجه مشترک بیش‌تری دارند و احتمال قوی‌تری وجود دارد که در مورد آنچه قبلاً اثبات شده به توافق برسند، و شاید هم به یکدیگر ارجاع بدهند.

سه رویکرد اصلی دانشگاهی معاصر برای مطالعه سیاست می‌تواند «دانش سنتی»،^۲ «علم اجتماعی» و «نقد رادیکال»^۳ باشد. با مسامحه می‌توان این رویکردها را بریتانیایی، آمریکایی و فرانسوی دانست (هرچند رویکرد آمریکایی در بریتانیا و در سطح بین‌المللی طی سال‌های اخیر بیش‌تر پا گرفته است).

رویکرد دانش‌پژوهان^۴ سنتی به موضوعات اغلب تا حدودی بر مبنایی تکه‌تکه با نگاه به یک کشور، یک نهاد سیاسی، یک مفهوم نظری یا یک

نویسنده عمیق خاص است، و اغلب از ابزارها و پیش‌پنداشت‌های رشته دانشگاهی دیگر، خصوصاً تاریخ یا فلسفه مدد می‌گیرد. از این رو، هسته برنامه آموزشی سیاست در بریتانیا، حداقل تا همین اواخر، مطالعه نهادهای سیاسی منفرد بریتانیا، در متن تاریخی‌شان، فیلسوفان سیاسی بزرگ و آنچه به طور گمراه‌کننده‌ای «حکومت مقایسه‌ای» خوانده می‌شد بوده است. حکومت مقایسه‌ای در عمل عمدتاً به مطالعه حکومت و سیاست در آمریکا، فرانسه و شوروی به طور جداگانه معطوف می‌شد. اغلب دوره‌های آموزشی در بریتانیا بخشی از برنامه علوم انسانی-محور بوده‌اند، از آن جمله برنامه پی‌پی‌ای آکسفورد (فلسفه، سیاست، اقتصاد)^۱ است. مقایسه‌ای بین مجلات مهم بریتانیای کبیر و ایالات متحده نشان می‌دهد که ۹۱ درصد از مقالات مجله مطالعات سیاسی^۲ بریتانیا بر موضوعات نهادی، توصیفی یا فلسفی (از جمله تاریخ اندیشه سیاسی) متمرکز می‌شود، حال آن‌که مجله بازنگری علم سیاست آمریکا^۳ ۷۴ درصد از مقالات خود را به مقولات رفتاری/تجربی یا گزینش قیاسی عقلانی اختصاص می‌دهد (Norris, 1994:15). در اروپای قاره‌ای سیاست اغلب بخش فرعی دانشکده‌های حقوق، جامعه‌شناسی یا تاریخ بوده است.

«دانشمندان علم اجتماعی» رویکرد سنتی را به‌عنوان رویکردی «اندیشه‌نگارانه»^۴ (این واژه از «ایدئوگرام»،^۵ به معنای علامت یا امضای شخصی، گرفته شده است) تقبیح می‌کنند، و به جای آن از رویکرد کلی و تعمیم‌دهنده‌ای دفاع می‌کنند که براساس آن کوشش دانش‌پژوهان حوزه سیاست باید نهایتاً این باشد که نظریه‌ها یا قوانین عام مربوط به طبع رفتار سیاسی را استخراج کنند. از این رو برنامه آموزشی خاص سبک آمریکایی، علم سیاست را یکی از زیرگروه‌های رشته‌های علم اجتماعی مرتبط، از جمله

1. Philosophy, Politics, Economics 2. Political Studies
3. American Political Science Review 4. idiographic 5. ideogram

جامعه‌شناسی و اقتصاد معرفی می‌کند که همگی آن‌ها از روش‌های جدید کمی/کامپیوتری برای تحلیل علمی داده‌ها استفاده می‌کنند.

«منتقدان رادیکال»^۱ هرچند ضرورت تعمیم‌های مفید را برای مطالعه سیاست رد نمی‌کنند، با این حال غرض‌ورزی و تعصب محافظه‌کارانه علم سیاست آمریکایی را نکوهش می‌کنند. اغلب، وفاداری اصلیشان نه به رشته‌ای دانشگاهی، بلکه به یک دکترین عامی است که در پی تغییر بنیادی و افراطی در جوامع موجود (غربی) است – غالباً نوعی مارکسیسم، ولی از منظر بوم‌شناسی، خداشناسی یا فمینیستی نیز همین نقد وارد شده است.

مبنای این تمایزی که بین رویکردها صورت گرفته عمدتاً بر حسب آنچه نویسندگان وظیفه خودشان می‌دانند، روش‌هایی که به کار می‌برند، سطح و نوع تحلیل‌هایشان و ارزش‌هایی که از آن‌ها دفاع می‌کنند است، نه جزئیات نظریه‌های خاص تبیین‌شده. به علاوه، به هر حال، مقایسه نظریه‌های خاص که از جانب مکاتب و رویکردهای مختلف بیان شده‌اند نشان‌دهنده تمرکز بر حوزه‌های گوناگون تجربه بشر، الگوهای کلی اختلاف در مضمون آن‌ها و تمایلشان به الهام گرفتن از مدل‌های مشابه و کاربرد مفاهیم یکسان در این مکاتب است. با مطالعه و بررسی اغلب می‌توان فهمید آن‌جا که نویسندگان متعلق به رویکردها و مکاتب گوناگون درگیر آن چیزی می‌شوند که به ظاهر موضوع واحدی (مثلاً «دموکراسی»، «انتخابات»، «جامعه») است دغدغه‌ها و فرضیات آن‌ها اغلب به قدری با هم تفاوت دارند که می‌توان گفت هیچ گفت‌و شنود واقعی‌ای بین آن‌ها صورت نمی‌گیرد. جدول ۱.۱. نمایی کلی از این رویکردها و مکاتب اصلی به دست می‌دهد.

پژوهش سنتی

نخستین نویسندگان آکادمیک در حوزه سیاست – افلاطون و ارسطو – که

1. radical critics